

قهرمان‌های ناشناس خانه سبز ایران

به بهانه روز جهانی یوز پلنگ و روز حفاظت از حیات وحش از آدم‌های معمولی گفتیم که با کارهای کوچک قدم‌های بزرگی برای حیات وحش برداشتند

اکرم انتصاری | روزنامه نگار

پرونده

حتما که نباید محیط‌بان باشیم تا حواس مان به محیط زیست، حیات وحش و احوالاتش باشد. همه ما آدم‌های معمولی می‌توانیم با کارهای کوچک، قدم‌های بزرگی برای حفظ محیط زیست و حیات وحش منطقه و کشورمان برداریم. ۴ دسامبر یعنی همان ۱۳ آذر ماه به‌طور همزمان روز جهانی حفاظت از حیات وحش و روز جهانی یوز پلنگ است. دو موضوع مهم که با توجه به جغرافیای کشورمان و تنوع زیستی گونه‌های مختلف جانوری و همین‌طور وجود یوز پلنگ‌های ایرانی که در خطر انقراض قرار دارند، اهمیت زیادی دارد و اگر از آن غافل شویم حسابی ضرر می‌کنیم. شاید شما هم دختر بچه‌ای را که می‌خواست مرغابی‌های پارک چهل‌باز ه مشهد را از یخ‌زدگی نجات دهد و به شهر داری‌زنگ‌زد، یادتان باشد یا قضیه آن چوپان که مدت‌ها منتظر مادر دو توله یوز ایرانی یعنی آذر و توران مانده بود و وقتی دید از او خبری نمی‌شود، آن‌ها را به خانه خود برد و بعد هم به محیط زیست تحویل داد (البته این یک مورد خاص بود و نباید به نوزادان حیات وحش در طبیعت دست زد). شاید هم دیدن یوزی فک خزری را که در تور ماهیگیران گیر کرده بود و در جزیره آشوراده رهاسازی شد، دیده باشید. همه این‌ها نمونه کارهای کوچکی است که می‌توانیم برای حیات وحش مان انجام دهیم. البته باید حواس مان باشد، بی‌گدار به آب‌نزنیم. قبل از هر چیز باید اطلاعات کافی داشته باشیم و در صورت توان با مشورت نهادهای مربوط قدم برداریم. چنین روزهایی فرصت مناسبی است تا راجع به حیوانات حیات وحش ایران مطالعه کنیم و یک قدم برای آگاه‌تر شدن برداریم. خیلی وقت‌ها موجودات به علت از دست رفتن زیستگاه‌شان از بین می‌روند و نقش ما می‌تواند با رعایت بهداشت و نریختن زباله در طبیعت، تولید زباله روزانه کمتر و احترام به طبیعت معنی شود. گاهی هم پیش می‌آید که باید در یک زمان کم، تصمیم درست را بگیریم حتی اگر انتقال گنجشک‌ها از لابه‌لای درزهای ساختمان در حال ساخت کناری به ساختمان مجاور باشد. امروز می‌خواهیم با یک سری آدم معمولی آشنا شویم که شاید اسم‌ورسم‌شان را نشنیده باشیم اما تاثیرشان را در طبیعت و حیات وحش گذاشته‌اند. آن‌ها قهرمان‌هایی از دنیای آدم معمولی‌ها هستند.



لانه‌های امن برای لک‌های مهاجر

چه کسی؟ | مردم روستای دره تفی

روستاهای حاشیه دریاچه زربار مریوان از یک طرف به جنگل‌های بلوط می‌رسند و از طرف دیگر به دریاچه. دره تفی (دره توت‌ها) یکی از روستاهای مرکزی شهرستان مریوان در استان کردستان است که در چنین موقعیتی قرار گرفته و به روستای لک‌ها مشهور شده است. اهالی روستا به این پرند‌ها حاجی لک‌لک یا حاجی لُق‌هم می‌گویند. سال‌ها قبل یک جفت لک‌لک طبق عادت همیشگی‌شان در مسیر کوچ به منطقه‌های گرمسیر

عربستان بودند که گذرشان به روستای دره تفی خورد و بالای یکی از تیرک‌های برق این روستا لانه ساختند. مردم نگران برق گرفتگی لک‌لک‌ها شدند و برایشان روی تیرک آهنی لانه دست‌ساز ساختند. همین مهربانی مردم دره تفی باعث شد کم‌کم به جمعیت لک‌های مهاجر اضافه شود و جمعی از جوانان روستا دست به کار شوند و در فصل بهار برای آن‌ها در محل‌های مناسب، لانه بسازند. انگار لک‌لک‌ها هم در این منطقه احساس امنیت می‌کنند و لانه‌سازی و جوجه‌آوری‌شان جزوی از بافت روستا و

برای گزارش شکار کل و بزها تا تهران هم می‌روم!

چه کسی؟ | عبدالعلی بوداگی

رو به رویش یک سفره کوزه کوچک پارچه‌ای و ساد‌ه‌پهن است و قرصی نان و کمی پنیر. یک بخاری نفتی هم گوشه اتاق است و نور از پنجره خانه روی صورت پیرمرد می‌تابد. این‌ها را در ویدئویی که داریوش احمدی پور حافظ محیط زیست از او گرفته است، می‌بینم. نام پیرمرد عبدالعلی بوداگی اثرگله «است و یکی از دام‌داران ارفع کوه در منطقه شکار ممنوع سوادکوه. سال‌ها پیش وقتی جمعیت کل و بز وحشی در مراتع و صخره‌ها به شدت پایین آمد، با کمک این مرد و اهالی تنگه سرخ‌آباد، درست کردن چندین آبشخور و حفاظت‌های دائمی و همت محیط‌بانان و همیاران، جمعیت کل و بزها احیا شد. کل و بز جزو یکی از گونه‌های آسیب‌پذیر در ایران است. ویدئوی کوتاهی در نهایت سادگی از عبدالعلی منتشر شده و او در جواب این سوال که چرا حواسش به کل و بزهاست، می‌گوید: «اگر کسی کل و بزها را شکار کند، گزارش می‌دهم و اگر نیاز باشد تا تهران هم می‌روم. چرا بزهای کوهی را شکار کنند؟ نباید آن‌ها را بزنند. تازه بزها زبانشند و سه، چهار دسته شدند. کل و بزها سرمایه‌های ایرانند. به من نه مزدی می‌دهند نه بابت این کار چیزی می‌خواهم. فقط دلم برایشان می‌سوزد. همین قدر در کوه می‌بینم‌شان فکر



به زندگی ات برس گیتار ماهی

چه کسی؟ | عبدا... باقری

ناخدای یک لنج ماهیگیری جمع و جور است و در خلیج فارس ماهی می‌گیرد. یک گیتار ماهی به‌طورش افتاده است و یک تصمیم مهم می‌گیرد. عبدا... باقری می‌خواهد گیتار ماهی را دوباره به خانه‌اش یعنی آب‌های خلیج فارس برگرداند و به اصطلاح آن را رهاسازی کند. یک نفر از او فیلم می‌گیرد و صیاد دربار‌ه صیدش این‌طور می‌گوید: «کوسه سوس یا همان گیتار ماهی یکی از کمیاب‌ترین کوسه‌های خلیج فارس‌ه. متأسفانه چندسال اخیر خیلی کم‌شدن به خاطر صیدهای بی‌رویه و صادرات به کشورهای عربی. این کوسه‌ها هم گوشت شون کیفیت خوبی داره هم دم و بالش که می‌فرستن کشورهای عربی. همین ماهی هیچ که نباشه کم کمش ۳ میلیون تا ۴ میلیون قیمتشه. ولی ما می‌خوایم اینو رهاسازی کنیم تا بقیه صیادان هم یاد بگیرن و ازین نمونه ماهی‌ها رهاسازی کنیم. ما ازین پول می‌گذریم تا نسلاي آینده هم بتونن ازینا استفاده کنن». گیتار ماهی که در بین ایرانی‌ها به «سوس» هم شناخته می‌شود ظاهری بین کوسه و سفره ماهی دارد و مانند یوز ایرانی به شدت در خطر انقراض است. رهاسازی گونه‌های کمیابی مانند گیتار ماهی و لاک‌پشت پوزه



ساخت آبشخور و عطر مهربانی از مهریه

چه کسی؟ | زوجی که خواستند ناشناس بمانند

همیشه درباره مهریه‌های عجیب و بالاشنیده ایم اما مهریه‌ای که قرار است درباره آن حرف بزنیم خیلی متفاوت است. داماد ۳۲ ساله است و پرورش گل و گیاه داشت و عروس ۲۹ ساله. سال ۹۴ عقد کردند و مهریه نوعوس ساخت آبشخور برای حیات وحش و مخصوص یوز ایرانی بود. این زوج ساکن تهران هستند و نمی‌خواستند نام و نشان‌شان رسانه‌ای شود. عروس عضو انجمن یوز پلنگ ایرانی است و گفته است تصمیم‌شان به هیچ وجه برای خودنمایی و گرفتن ژست‌های زیست محیطی که این روزها مد شده، نیست. پس دلیل عروس برای تعیین چنین مهریه‌ای چه بوده است؟ این خانم به یکی از فعالان



لحظه به فکر ساخت آبشخور برای یوز پلنگ و دیگر گونه‌های جانوری افتادم، همان موقع بود که خانم طرفدار محیط زیست با همسر آینده‌اش تماس می‌گیرد و از تصمیمش می‌گوید. داماد اصلا از این تصمیم تعجب نکرده و با او همراه شده است؛ چون او هم دغدغه محیط‌زیستی دارد. در گفت‌وگویی که از داماد منتشر شده نکته جالبی وجود دارد: «تلاش می‌کنم به سهم خود از تخریب جنگل‌ها که در سراسر دنیا دارد اتفاق می‌افتد، جلوگیری کنم و قسمتی از زمین را زنده نگه دارم.» شاید برایتان عجیب به نظر بیاید اما عاقد هم از این تصمیم استقبال کرد و باید هزینه ساخت آبشخور را مشخص می‌کرد تا در عقدنامه نوشته شود. البته زوج جوان فکر این‌جا

را هم کرده بودند و با مشورت گرفتن از کارشناسان هزینه ساخت آبشخور را ۷ میلیون تومان (در سال ۹۴) در نظر گرفتند. این‌طور شد که این زوج دوستدار محیط‌زیست و حیات وحش قرار گذاشتند تا در پناهگاه حیات وحش «دره انجیر» یک آبشخور برای حیوانات بسازند.

عملیات نجات خرس قهوه‌ای و دو توله‌اش با سیب

چه کسی؟ | مردم روستای نقل

نقل روستایی در بخش پادنا علیا شهرستان سمیرم اصفهان است. نقل یکی از آخرین روستاهای جنوب استان اصفهان است. بعد از این روستا، هیچ روستای دیگری قرار ندارد و راه‌های روستایی به بن‌بست قله «پازن پیر» در رشته‌کوه‌های دنا می‌خورد. همان جایی که پرواز ۲۷۰۴ آسمان از تهران به سمت یاسوج می‌رفت و متأسفانه در میان کوه‌های این منطقه سقوط کرد. نقل مانند خیلی از روستاهای کشور جمعیت زیادی ندارد. حدود ۷۲ خانوار در آن زندگی می‌کنند و روزگار می‌گذرانند. آن‌ها بعد از سقوط هواپیما هم مهربانی‌شان را نشان دادند و آن‌هایی که مسیرهای محلی را می‌شناختند به دل کوه زدند تا شاید از سرنشینان

هواپیما اثری پیدا کنند. چند وقت پیش ویدئویی منتشر شد که یک خرس قهوه‌ای و دو توله‌اش در یک استخر کشاورزی بدون آب در روستای نقل، گیر کرده بودند. خرس مادر هر قدر تلاش می‌کرد نمی‌توانست از دیوار‌ها بالا بیاورد. مردم روستای نقل با ماموران محیط‌بانی تماس گرفتند و تار سیدن آن‌ها سعی کردند با حرف‌زدن خرس و توله‌هایش را آرام کنند. یکی از راهکارهایشان هم این بود که به خرس‌ها سیب بدهند تا سرشان گرم‌سبب‌ها شود و کمی آرام بگیرند. متأسفانه در بیشتر مناطق ایران، این خرس‌ها به دلیل آسیب‌رساندن به باغ، مزرعه و گاهی دام‌اهلی توسط مردم محلی کشته می‌شوند و کاهش تعارض میان انسان و خرس قهوه‌ای در ایران به بررسی و اقدامات و آگاهی‌بخشی بیشتری نیاز دارد.

نجات بچه گاندو از برکه خشک

چه کسی؟ | زکریا بشیره

باورتان می‌شود زکریا با این قد و قواره یک بچه تمساح را از یک برکه نیمه خشک و از بین گل‌ولای نجات داده باشد؟ زکریا اهل روستای ریکو کش چابهار بود و وقتی با این بچه گاندو مواجه شد با احتیاط آن را نجات داد و آن را به مرکز پرورش و نگهداری گاندو تحویل داد. بعد هم با کمک محیط‌بان‌ها آن را در رودخانه رهاسازی کرد. زکریا با این کار مورد توجه حامیان و دوستداران محیط‌زیست و حیات وحش قرار گرفت و به او لقب کوچک‌ترین و شجاع‌ترین همیار محیط‌زیست استان و بلوچستان و نشان خرس



قهوه‌ای را دادند. متأسفانه این کودک در بهمن ماه سال ۹۹ در یازده سالگی در اثر تصادف جاده‌ای با ماشین سوخت بر جان خود را از دست داد اما اقدام او هیچ وقت فراموش نشد و حتی مدرسه‌ای در روستای زادگاه زکریا با هزینه‌های مردمی ساخته شد تا همه یادشان بماند زکریا یک بزرگ‌مرد کوچک بود. گاندو یا تمساح پوزه کوتاه نوعی کروکودیل بومی شبه‌قاره هند است که در سیستان و بلوچستان ایران هم زندگی می‌کند و بزرگ‌ترین خزنده و تنها کروکودیل بومی ایران است. گاندوها در برکه‌ها و باتلاق‌های این استان زندگی می‌کنند و گاهی زمانی که کودکان به ناچار برای برداشتن آب به این برکه‌ها نزدیک می‌شوند با حمله غریزی آن‌ها مواجه می‌شوند و در مواردی دست‌شان قطع می‌شود؛ اما با این همه مردم بومی رابطه خوبی با گاندوها دارند و حتی در زمان خشکسالی برای انتقال گاندوها از برکه‌های خشک شده به برکه‌های پرآب‌تر و تأمین غذای گاندوها اقدام می‌کنند.

